

روابط خارجی ایران

(دولت دست‌نشانده)

۱۳۲۰ - ۱۳۵۷

تألیف:

دکتر علیرضا ازغندی



سرشناسه	: از غندی، علیرضا، ۱۳۲۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: روابط خارجی ایران (دولت دست‌نشانده) ۱۳۵۷-۱۳۲۰/تالیف علیرضا از غندی
مشخصات نشر	: تهران: قومس، ۱۳۸۴
مشخصات ظاهری	: ۵۱۱ ص. جدول
شابک	: 964-5516-25-0
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: پشت‌جندبه‌انگلیسی: Ali-Reza Azghandi. Foreign relations of Iran 1941-1979
یادداشت	: چاپ ششم، ۱۳۸۴
یادداشت	: چاپ هشتم، ۱۳۸۶ (فیبا)
یادداشت	: کتابنامه، ص. ۵۰۴-۴۵۱
یادداشت	: نمایه
یادداشت	: ویژه‌نامه
موضوع	: ایران - روابط خارجی -- ۱۳۵۷-۱۳۲۰
موضوع	: ایران - تاریخ -- بهمنی، ۱۳۵۷-۱۳۲۰
رده‌بندی کنگره	: ۹ ر ۴ انف ۱۵۰۳ DSR
رده‌بندی دیویی	: ۳۷۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۹۹۱-۳۷

• نام کتاب	: روابط خارجی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰
• مؤلف	: دکتر علیرضا از غندی
• طراح جلد	: محدثه موسوی
• نوبت چاپ	: شانزدهم
• سال چاپ	: ۱۳۹۳
• شمارگان	: ۱۰۰۰ جلد
• قیمت	: ۲۴۰۰۰ تومان
• چاپ	: ایران مصور
• صحافی	: چاوش
• شابک	: ۹۶۴-۵۵۱۶-۲۵-۰
• ناشر	: نشر قومس - تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، پائین‌تر از چهارراه لپافی‌نژاد، کوچه بهار، شماره ۱۱ صندوق پستی ۱۳۹۱-۱۳۱۴۵ تلفن و نمابر ۶۶۴۷۰۱۶۲ - ۶۶۴۷۰۱۵۳ - ۶۶۴۷۰۱۵۵ - ۶۶۹۳۲۷۹۷

نشانی اینترنتی نشر قومس: www.ghoomes.com

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست مندرجات

مقدمه	۷
-------	---

باب اول سیاست خارجی ایران

فصل اول

ساختارها و جهت‌گیریها	۱۳
۱ - ساختار و ماهیت نظام بین‌الملل	۱۳
۲ - ساختار و ماهیت نظام سیاسی ایران	۱۸
۳ - عوامل تاثیرگذار بر طرح و اجرای سیاست خارجی	۲۲
۴ - جهت‌گیریهای سیاست خارجی	۲۸
الف - موازنه منفی	۲۹
۱ - روابط بین‌الملل	۳۱
۱ - ۱ - توازن سیاسی	۳۱
۱ - ۲ - استقلال از قدرتهای برون مرزی	۳۲
۱ - ۳ - ممنوعیت واگذاری امتیاز به قدرتهای خارجی	۳۴
۱ - ۴ - دفاع از ملل زیر ستم و قطع رابطه با ستمگران	۳۵
۲ - امور داخلی	۳۷
۲ - ۱ - اصل ایرانی بودن و ضرورت دفاع از آن	۳۷
۲ - ۲ - اصل پابیندی به ارزشهای سیاسی و فکری مشروطیت	۳۸
۲ - ۳ - ضرورت تأسیس دولت ملی - دموکراتیک	۴۰
ب - ناسیونالیسم مثبت	۴۱
۱ - مقاومت در برابر تهدید شوروی	۴۴
۲ - امنیت در گرو پیوند با غرب	۴۶

- ج - سیاست مستقل ملی ۴۷
- ۱- اتکاء به نیروی ماورائی و اسطوره‌های تاریخی ۵۱
- ۲- دموکراسی - دیکتاتوری ۵۲
- ۳- توانمندی نظامی ۵۵
- ۴- آمریکا، قدرت حامی ۵۷

فصل دوم

چرا ایران اشغال شد؟ ۶۱

- ۱- اهمیت جغرافیایی ایران و ضرورت دفاع از هند ۶۲
- ۲- ضرورت دستیابی به خطوط ارتباطی ایران ۶۶
- الف - خطوط ارتباطی دریای سیاه به مسکو ۶۸
- ب - راه مورمانسک به مسکو ۶۸
- ج - راه ارخانگلسک به مسکو ۶۹
- د - راه ولادی وستک به مسکو ۶۹
- هـ- راه خلیج فارس - جلفا - مسکو ۶۹
- ۳- ضرورت تامین امنیت حوزه‌های نفتی ۷۲
- ۴- دستیابی مجدد به بازارهای ایران ۷۶
- ۵- سیاست غیر عقلایی رضا شاه ۸۰
- ۶- نقش و جایگاه ایران در برنامه نظامی هیتلر ۸۶

باب دوم

روابط خارجی ایران با قدرتهای بزرگ

۱۳۵۷ - ۱۳۲۰

فصل سوم

روابط خارجی ایران ۱۳۲۰ - ۱۳۳۰ ۹۷

بخش اول - ایران در جنگ ۲۴ - ۱۳۲۰

- ۱- اشغال نظامی ایران و استعفای رضا شاه ۹۷
- ۲- از پیمان سه جانبه تا اعلامیه سه جانبه ۱۰۳
- ۳- ایران و آمریکا، نخستین تماسها ۱۱۵
- ۴- مسأله نفت و رقابت قدرتها ۱۲۷

بخش دوم - ایران در سالهای پس از جنگ

- ۱- روابط ایران و شوروی: ادامه بحران ۱۳۸
- ۲- نفت و بحران روابط ایران و انگلستان ۱۵۹
- ۳- ایران و امریکا، از حمایت تا میانجیگری ۱۷۵
- ۴- رقابت امریکا و انگلستان در ایران ۱۸۹

فصل چهارم

- سیاست موازنه منفی ۱۳۳۲ - ۱۳۳۰ ۱۹۹
- ۱- ملی شدن صنعت نفت و طرحهای جایگزینی ۱۹۹
 - الف - پیشنهاد جکسون ۲۰۰
 - ب - پیشنهاد استوکس ۲۰۱
 - ج - پیشنهاد بانک جهانی ۲۰۴
 - د - پیشنهاد مشترک ترمن - چرچیل ۲۰۵
 - هـ - دومین پیشنهاد مشترک انگلستان و امریکا ۲۰۷
 - ۲- روابط ایران و انگلستان، سیاست رویارویی ۲۱۱
 - ۳- ایران و شوروی: سیاست صبر و انتظار ۲۲۱
 - ۴- ایران و امریکا، از میانجیگری تا براندازی ۲۲۷
 - ۵- ارزیابی نقش امریکا و انگلستان در کودتای مرداد ۱۳۳۲ ۲۳۵

فصل پنجم

- ناسیونالیسم مثبت، شکل گیری سیاست خارجی ۲۴۱
- ۱- تجدید روابط ایران و انگلستان ۲۴۱
 - ۲- چگونگی حل بحران نفت ۲۴۹
 - ۳- روابط ایران و اتحاد شوروی، همزیستی و تهدید ۲۵۵
 - ۴- روابط ایران با امریکا، ۴۲-۱۳۳۲ افزایش نفوذ ۲۶۸

فصل ششم

- سیاست مستقل ملی ۲۸۳
- بخش اول - وضعیت سیاسی ایران ۲۸۳
- ۱- روابط ایران با امریکا - روابط دست نشاندگی ۲۸۳
 - ۲- روابط ایران و شوروی - همکاری و تفاهم ۲۹۴

۳- سیاست نفتی ایران در سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ۳۰۴

بخش دوم - ایران در سالهای تحکیم وابستگی ۳۱۱

۱- سیاست نفتی ایران در دهه ۵۰ ۳۱۱

۲- ایران و شوروی: همزیستی ۳۱۷

۳- روابط ایران با آمریکا، تحکیم وابستگی ۳۳۴

الف- ایران و دکترین نیکسون ۳۳۴

ب- روابط نظامی - امنیتی ۳۳۸

ج- مناسبات اقتصادی ایران و آمریکا ۳۴۷

د- روابط سیاسی ایران و آمریکا ۳۵۳

باب سوم

روابط ایران با همسایگان و همپیمانان ۳۶۵

۱- روابط ایران و جمهوری خلق چین ۳۶۵

۲- ایران و کشورهای همسایه عضو ستو ۳۷۴

۳- سیاست منطقه‌ای ایران ۳۸۳

۴- ایران و عراق - مبارزه جویی دائمی و همزیستی مقطعی ۳۹۷

۵- روابط ایران و اسرائیل ۴۰۹

۶- ایران و کشورهای عضو بازار مشترک اروپا ۴۲۰

۱- آلمان فدرال ۴۲۱

۲- انگلستان ۴۲۶

۳- فرانسه ۴۳۲

۴- ایتالیا ۴۳۸

۵- بلژیک ۴۴۱

ارزیابی نهایی ۴۴۷

یادداشتها ۴۴۹

فهرست گزیده کتب ۴۸۷

نام نامه ۵۰۵

بنام خدا

مقدمه

بحث سیاست خارجی و روابط بین الملل جزو مباحث اصلی دو رشته علوم سیاسی و روابط بین الملل است. بدین سبب منابعی که به صورت مقاله و کتاب در خصوص رفتار و کردار کشورها انتشار یافته و بخشی از آنها نیز به فارسی ترجمه شده بسیارند. به همان نسبت منابع مربوط به سیاست و روابط خارجی ایران عصر پهلوی دوم، که به زبانهای بیگانه چاپ شده، نیز فراوانند. چندانکه تعداد انگشت شمار تألیفاتی که به فارسی نوشته شده با تعداد این نوع منابع به هیچ وجه قابل مقایسه نمی باشد. نوشته هایی که در زمینه مسایل مختلف روابط خارجی ایران در اختیار است، اکثراً برگردان نوشته های نویسندگان خارجی یا ایرانیان مقیم خارج می باشد و حتی دو کتابی که ظاهراً تحت عنوان تألیف ارائه شده، ترجمه آزاد دو کتاب پروفیسور روح الله رضائی می باشد و نمی توان نام تألیف بر آنها نهاد. به سخن دیگر، تحقیق مستقلی که به تحلیل و بررسی سیاست و روابط خارجی ایران در دوره سلطنت محمدرضا شاه پرداخته باشد و بازتاب عملی و کاربردی استراتژی دوگانه سیاست خارجی ایران را در آن دوره، محققانه و ژرفکارانه و به دور از یک سوگیری، مورد بررسی قرار داده باشد، وجود ندارد. بنابراین هدف عمده تهیه و تدوین این کتاب تسن میزان انطباق عملی سیاست خارجی ایران در دوران ۳۷ ساله سلطنت محمدرضا شاه با دو دیدگاه و استراتژی متعارض موازنه منفی و ناسیونالیسم مثبت، به گونه ای علمی و با روشی تاریخی است.

دیدگاه تاریخی یک برداشت معتبر قدیمی تجزیه و تحلیل مسایل و روابط بین الملل به شمار می آید. مهمترین امتیاز این دیدگاه برای این کتاب روشنگری تغییر و تحولاتی است که در محیط داخلی ایران و در صحنه بین المللی روی می دهد و از بررسی مسایل سیاست خارجی ایران، با در نظر گرفتن عوامل زمان و مکان، قوانین و ضوابط کلی استنتاج کرده و در دسترس خوانندگان و جویندگان واقعیتها می گذارد. کاربرد دیدگاه تاریخی بدین ترتیب به ما کمک می کند که رخدادهای گذشته را به گونه ای بنگریم که بتوان شناختی واقع بینانه و دقیق از دو محیط داخلی و خارجی در مقطع زمانی مورد نظر بدست آید.

بی مناسبت نیست در ابتدا به تعریف برخی از مفاهیم سیاسی به کار گرفته شده در این کتاب بپردازیم؛ «روابط خارجی»، شامل آن دسته از روابطی می شود، که به عنوان امری رسمی، ابتکار آن با حکومتها بوده و توسط آنها هدایت می شود. و از روابط بین گروه ها، سازمانها و احزاب و سندیکاها متمایز می باشد. در حالیکه «سیاست خارجی» نسبت به «روابط خارجی» معنی و مفهوم گسترده تری دارد. سیاست خارجی را باید مجموعه ای از اهداف، جهت گیری ها، روشها و ابزارها در نظر گرفت که

یک حکومت در مقابل سایر واحدهای سیاسی بین‌المللی به منظور دست‌یابی منافع ملی دنبال می‌کند. سیاست خارجی در نهایت سعی می‌کند بر رفتار و کردار سایر کشورها و نتیجتاً بر کل نظام بین‌المللی اثر بگذارد، ضمن اینکه متقابلاً از محیط خارجی تأثیر می‌پذیرد.

در هر نظام سیاسی، قوه مجریه مرکز ثقل و عنصر اصلی ساختار سیاسی در روند تصمیم‌گیری سیاست خارجی به شمار می‌آید. وظیفه اصلی این نهاد در خصوص سیاست خارجی در درجه اول تشخیص دادن منافع خارجی کشور و اولویت بندی و اجرای آن است. در همین راستا، اولین وظیفه سیاست خارجی حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور است. دومین مسئولیت سیاست خارجی، تامین نیازهای اقتصادی تجاری و نظامی است. وظیفه سوم تامین پرستیژ بین‌المللی است و بالاخره آخرین مسئولیت سیاست خارجی ارتقاء توانمندی یک کشور در بسیج سیاسی و اقتصادی و نظامی نیروها است. بنابراین کارکردهای جهت‌گیری سیاست خارجی جلب حمایت و تجهیز مردم را به عهده دارد.

در هر نظام سیاسی پوشش سیاست از توانمندی و قدرت تصمیم‌گیری ساختارهای درون نظام شکل می‌گیرد. بدین معنا، نقش حکومت و ساختار سیاسی در ارتباط مستقیم و رسمی با یکدیگرند. به رغم اینکه نقش و مسئولیت حکومت نسبت به اتخاذ و اعمال سیاست خارجی بسیار گسترده است، ولی پوشش شکل‌گیری سیاست خارجی در درون نظام سیاسی بر اساس منافع ملی و خواسته‌ها و منافع ساختارهای داخلی نظام صورت می‌گیرد. بنابراین آنچه در این کتاب به عنوان استراتژیهای مختلف در تعیین و اجرای سیاست خارجی مطرح می‌شود، شدیداً متأثر از نقش و عملکرد طیف وسیعی از منافع ساختاری است که در تعامل ارزشی و عملی نسبت به این مقوله به شمار می‌آیند. در عین حال نقش و میزان تاثیرگذاری نظام بین‌الملل بر سیاست و روابط کشورها را نمی‌توان نادیده گرفت. میزان و ترکیب وابستگی متقابل موجب بروز نوعی رژیم خاص بین‌المللی شده که ضرورتاً بر رفتار خارجی کشورها تأثیر می‌گذارد. مورتون کابلان در رابطه با تاثیرپذیری واحدهای سیاسی از نظام بین‌المللی، ساختار قدرت در کل نظام را طی شش مدل ارائه داده است. نظام توازن، نظام دو قطبی انعطاف پذیر، نظام دو قطبی انعطاف ناپذیر، نظام جهانی، نظام سلسله مراتبی و نظام وتو، که تنها دو مدل اول و دوم معادل تاریخی دارند.

به نظر کابلان، ساختار قدرت در هر نظام مشخص بین‌الملل یک سلسله قواعد جوهری خاص خود را دارد، که ضرورتاً بر روند عملکرد و رفتار سیاست خارجی کشورهای عضو نظام بین‌المللی موثر خواهند بود. در بسیاری از رژیمها مبانی و پایه‌های قدرت بر اساس عناصر داخلی نظام سیاسی استوار است و عوامل خارجی به صورت حاشیه‌ای می‌باشند. در حالیکه در بررسی ماهیت و کیفیت قدرت رژیم اقتدارگرای محمد رضا شاه هر دو عامل داخلی و خارجی نقش اساسی را در تحکیم موقعیت و تثبیت حکومت بازی می‌کنند.

به سخنی دقیق‌تر در بررسی رفتار بین‌المللی هر حکومتی روابط کشورها را در حوزه جغرافیایی و

تاریخی خاص خود آن کشورها باید جستجو کرد. مضاف بر این نباید به ساختار تصمیم‌گیری کاملاً توجه نمود؛ که آیا این ساختار قائم به شخص است یا مبتنی بر قانون. در این راستا ضمناً باید به خواسته‌ها و هدفهای تصمیم‌گیرندگان و اجراکنندگان، به خصوص به تصویری که آنها از ساختار نظام بین‌المللی و ماهیت آن دارند، توجه نمود. چنانچه رژیمی بر پایه عدم توجه به قانون و بی‌توجه به فعالیت نهادهای مشارکت قانونی استقرار یافته باشد، این سنخ از سلطه، لازمه‌اش وجود یک قدرت متمرکز و غیرقانونی است که بتواند، با نادیده گرفتن منافع و خواسته‌های مدنی و سیاسی مردم و با اعمال خشونت و به کارگیری زور، راه به تاراج دادن منابع طبیعی و منافع ملی را هموار نماید. طبیعی است یک چنین وضعیتی سیاست خارجی کشور را در جهت منافع نیروهای داخلی سوق نمی‌دهد، بلکه برعکس در جهت تحکیم رابطه با قدرتهای برتر و متنفذ بین‌المللی و تقسیم منابع و درآمدهای کشور با آنها پیش خواهد رفت تا بتواند، با توجه به عدم مشروعیت داخلی، حمایت آنها را برای بقای خود جلب نماید. بنابراین برای آزمودن فرضیه مطرح شده نمی‌توان فقط به نظام بین‌المللی به عنوان وزنه اصلی و نقش دهنده سیاست خارجی ایران و ایالات متحد آمریکا به مثابه بازیگر اصلی آن توجه داشت، بلکه عامل کامیابی و یا ناکامی سیاست خارجی را باید هم‌چنین در شرایط فرهنگی و روابط اجتماعی و ماهیت طبقاتی هیت حاکمه جستجو کرد. لذا روش منطقی مورد استفاده در این تالیف، توجه به هر دو عامل بیرونی و درونی می‌باشد. با عنایت به این نکته که عوامل بیرونی نقش اصلی در تعیین سیاست خارجی بعهدہ داشته‌اند و تنها در سالهای ۱۳۳۲ - ۱۳۳۰ سیاست‌گذاری خارجی و اجرای آن عمدتاً متأثر از عوامل درون جامعه‌ای بوده‌اند. بر این اساس در تعیین چگونگی مناسبات خارجی ایران، فرض اصلی مبتنی بر این اصل است که سیاست خارجی ایران به استثناء سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ تابعی از تغییر و تحولات نظام و روابط بین‌الملل بوده است.

محمدرضا شاه به خاطر احساس عدم امنیت از توسعه طلبی شوروی روابط نزدیک و بسیار حسنه‌ای را با آمریکا دنبال می‌کرد. حتی در سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ یعنی در سالهای تنش‌زدائی که تهدید ایران توسط شوروی از بین رفته بود، از تمایل محمدرضا شاه به گسترش پیوندهای اقتصادی و امنیتی نزدیکتر با این کشور به هیچ وجه کاسته نشد. برعکس در سالهای افزایش توانمندی مالی ایران، ناشی از فروش نفت به احساس قدرت و ضرورت نزدیکی به آمریکا افزوده شده، سقوط شاه عملاً نمایش ترس او از کمونیسم از یک سو و وابستگی یک جانبه به آمریکا از سوی دیگر است. این کتاب هم چنین درصدد آزمون این فرضیه است، که تعریف محمدرضا شاه درباره استقلال سیاسی در داخل و خارج مبتنی بر مثلث نفت، ارتش و سیاست خیال پردازانه و به دور از واقعیات جامعه بوده است. تصورات شاه در زمینه داخلی، بر تحکیم هر چه بیشتر پایه‌های سلطنت مبتنی بود و در بعد خارجی به همبستگی یک جانبه با ایالات متحد منجر شد. سیاست خارجی در حکومتهای اقتدارگرا یکی از منافع اصلی ثبات یا عدم ثبات نظام سیاسی به شمار می‌آید و عملکرد سیاست خارجی در ایران سالهای ۱۳۵۷ - ۱۳۳۲

یکی از زمینه‌های اصلی تشدید تشنج و درگیری سیاسی و در نهایت عدم مقبولیت و بحران مشروعیت می‌باشد. جهت‌گیری سیاست خارجی همگام با آمریکا ایران را به یک کشور دست‌نشانده تبدیل کرد. این دست‌نشانده‌گی نه تنها به کاهش مشروعیت حکومت کمک نمود، بلکه نظام سیاسی را درگیر بحران شدیدی کرد که منجر به انقلاب گردید.

پوش سیاست و مناسبات خارجی ایران در مدت زمان ۲۷ سال سلطنت محمدرضا شاه تحولانی را طی کرده است که می‌توان آنرا به چهار دوره تقسیم کرد که هر دوره به رغم اینکه استمرار و تداوم دوره قبلی است، دارای ویژگیهای نظری و کاربردی خاص خود می‌باشد. در دوره اول، یعنی در سالهای ۱۳۲۰-۱۳۳۰ اصولاً حکومت ایران قبل از بیرون رفتن نیروهای روس و انگلستان نمی‌توانست سیاستی مستقل از میزبان و خواسته‌ها این دو کشور را اتخاذ نماید. همچنین در سالهای پس از جنگ تا ۱۳۳۰ به خاطر ادامه تشنج در نظام بین‌الملل و بی‌ثباتی سیاسی در داخل، ایران نمی‌توانست سیاست خارجی مشخص، مدون و پایدار را داشته باشد. در سالهای نهضت ملی شدن صنعت نفت و حکومت دکتر محمد مصدق، سیاست موازنه منفی به عنوان اولین نظریه مستقل در سیاست خارجی ایران مطرح می‌شود و به رغم استمرار بی‌ثباتی داخلی، تا اندازه‌ای نیز کاربردی موفق پیدا می‌کند. مرحله سوم، که سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا روی آمدن امیرعباس هویدا را در برمی‌گیرد، محمدرضا شاه کینه توزانه در مقابله با موازنه منفی، سیاست ناسیونالیسم مثبت را مطرح ساخت. در این دوره زمینه‌های اولیه نزدیکی ایران با آمریکا فراهم شد. نمود عملی این نزدیکی را می‌توان در عضویت ایران در پیمان بغداد- ستو - عقد قرارداد نفتی کنسرسیوم و قرارداد نظامی دو جانبه ایران و آمریکا ملاحظه کرد. بالاخره در مرحله آخر یعنی در دوران حدود دوازده ساله نخست‌وزیری امیرعباس هویدا، در مرحله تکامل یافته دست‌نشانده‌گی سیاست مستقل ملی به اجرا گذارده شد. در این سالها ایران با عادی سازی روابط خود با شوروی و کشورهای اروپای شرقی به گسترش روابط خود با این کشورها همت گماشت. ایران همزمان با به عهده گرفتن نقش ژاندارمی منطقه تلاش گسترده‌ای را انجام داد که امنیت منطقه را به نفع غرب حفظ نماید. در این کتاب، چه از بعد نظری و چه از جنبه کاربردی سیاست و روابط خارجی ایران در این چهار دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد و به تبع این تقسیم‌بندی، سازمان کتاب شکل گرفته است.

برای تهیه این کتاب بیش از ۳۰۰ اثر، اعم از منابع اولیه و یا ثانویه، یعنی اسناد دولتی، مذاکرات و مصوبات مجلس شورای ملی، خاطرات، مصاحبه‌ها و تألیفات مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. هم چنین در تدوین کتاب از راهنماییهای علمی و بصیرتهای بسیاری از همکاران محترم دانشگاهی خود بهره گرفته‌ام. در اینجا ما می‌توانیم از تمامی آنها و از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری دو رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل که در شکل‌گیری مباحث این کتاب دخیل بوده‌اند صمیمانه سپاسگزاری نمایم.